

هنرمندی که دعوت بشماری میکند

آیا شهرت سن و سالی دارد ؟
آیا قوانینی برای رشد و تکامل قریحه و استعداد وجود دارد ؟
یادر هر مورد جداگانه هنرمند در وجود خود قریحه و استعداد را
بطرزی جدید کشف میکند ؟

سرنوشت خلاقیت طبع « آرام خاچاتوریان » تمام قوانین مقرر را
تکذیب و رد میکند .

معمولا چنین میگویند : « از اوان طفولیت بچه بفر گرفتن موسیقی
اشتغال ورزید . معلمین او ... » خاچاتوریان از اوان طفولیت شروع بفر
گرفتن موسیقی نموده ، در طفولیت دارای معلمین موسیقی هم نبوده است .
اولین باری که او وارد عالم موسیقی شد ۱۹ سال از عمرش میگذشت .

تا کنون در مدرسه موسیقی بناگاه سپن ها در مسکو از جوان بزرگی
حکایت میکنند که با پسر بچه‌هایی که شلوارهای کوتاه پوشیده بودند و با
دختر بچه‌هایی که گیس‌های بافته کوتاه داشتند در امتحان حضور یافته بود .
امتحانات مذکور در سال ۱۹۲۲ بود . او یک رومانس احساساتی خواند ،
چند آهنگ رقص و آواز بدون نوت نواخت و به سئوال‌هایی که دربارهٔ تئوری
بدوی موسیقی از او کردند ، نادرست جواب داده ، خواهش کرد که نواختن
« ویولون بزرگ » را باویاد بدهند و ویولنسل را نشان داد . خیال میکنند
اورا پذیرفته بودند ؟ نه ، او را پذیرفتند و بتحصیل و تعلیم اشتغال ورزید .
عشق پر شور او بموسیقی در جواب‌های امتحانی محسوس بود ، بزودی هم آن عشق
در آثاری بروز کرد در بدو امر قطعات کوچکی برای موسیقی مجلسی میساخت
« منظومه » ، « آواز - منظومه » ، تریو برای ویولون ، قرنی و پیانو .
آثار مذکور فوراً جلب توجه کردند . در آن آثار مشرق زمین بطرزی باروح
تجسم مییافت . در آنها بود که محسوسات و مشهودات دوران طفولیت احیاء

و تجدید میشد: «تفلیس (شهر زادگاه آهنگساز) در خاطر من بعنوان شهر خوانندگی و آواز باقی مانده است. پیشه‌ورانی که در همانجا توی حیاطها و کوچها کار میکنند و آواز میخوانند، از همه طرف فریاد های آهنگدار سوداگران دوره گرد توی کوچها، فروشندگان ماست کوزه‌ای و میوه و ماهی بگوش میرسند. هر نوع داد و ستد آهنگی مخصوص بخود دارد که الحان موسیقی را بخاطر من می‌آورد. شبها از تمام حیاطها نغمه‌های آوازهای ملی و آهنگهای شادی بخش و شور انگیز رقصها بگوش میرسند، اما رفتن به بازار چگونه دل انگیز و شادی بخش است. اعیاد و جشنها! خورشید تابان و داغ جنوب، و وزش باد فرح انگیز که نغمات موسیقی را از همه طرف بگوش میرساند، بازبهای جنگی پسر بچه‌ها و سیاحت‌های ناگهانی در ساحل رود کر...»

پس از آن خاچاتوریان وارد کنسرواتوار مسکو گردید. نیکلای - میاسکوفسکی - سنفونست عالیمقام روس معلم او شد. معلم بشا گرد آمد و موخت که چگونه تصویرهای درخشان و تمثالهای نمایان را با صفحات پر اندیشه جدی مرتبط نماید و درهم آمیزد. میاسکوفسکی چیزی را به خاچاتوریان می‌آموخت که «سنفونسم تفکر» نامیده میشود. یعنی استادی و مهارت در رشد و ترقی قریحه و استعداد و طرح اندیشه‌های درخشان متضاد موسیقی را باو می‌آموخت.

نتیجه کار کردن با میاسکوفسکی سنفونی اول - کار دانشنامه‌ای، و کنسرتو پیانو - کار دوره اسپیرانی او بود. این آثار شهرت را برای آهنگساز مزبور با رمغان آورد. روزنامه آمریکائی «گلوب - اند - میل» نوشته بود که بر اثر رسائی و خوش آهنگی آن کنسرت آمریکائی‌ها «بسان خاچاتوریان با ادراك» شده‌اند.

سه سال بعد از کنسرتو پیانو، کنسرتو ویولون بنحوی درخشان اجراء شد. کنسرتو مذکور اشباع شده بود با اوزان گوناگون دلربا، نغمه‌های سحر انگیز و پاساژهای زیبا که مانند ذرات الماس و آرزوهای میدرخشیدند، قطعات و آهنگهای غیر منتظره و تند که بهمین وار نازل میگردیدند و دلها را تسخیر میکردند. از همان اولین بار استماع امتحانی کاملا واضح شد که آن کنسرتو شایسته است نواخته شود و در ردیف کنسرتوهای چایکوفسکی، گلازوف، مندلسون و پاگانینی قرار بگیرد - واضح شد که آن کنسرتو کلاسیک است.

همانطور هم بسرعت در همه جا و تسخیر کننده تمام دلها - چندی بعد موزیک خاچاتوریان برای درام « بال ماسکه » لر مونتوف شنیده شد . مخصوصاً والس آن نمایش حیرت انگیز بود . والس مذکور با موقعی تطبیق و نواخته میشد که « آربه نین » که اعتماد و ایمان با آخرین حقیقت را که برای او در روی زمین وجود داشت ، از دست داده بستنی زهر آگین را به « نینا » زن باعصمت و بیگناهی می دهد . هم اکنون او خواهد مرد ... اما در اطراف افراد طبقه عالی پتر بورگ میرقصند .

در آن موسیقی اندوه ، یأس و نرزش مسجور کننده با سبکی گردباد مانند رقص بطرزی حیرت انگیز درهم آمیخته شده است .

روزی در مسکو ، در تالار بزرگ کنسرواتور خاچاتوریان پشت کرسی رهبری از کستر ایستاده بود - کنسرتو تصنیفی خود او اجرا میشد ، با صیحیح تر گفته بشود در شرف اتمام بود . جمعیت در راهروها هم ایستاده ، کف میزدند و ناگهان ... يك حرکت دست ... و گوئی تالار بیالاترین قلعه موج صعود کرد . والس از « بال ماسکه » شروع شد ، تمام صد هانفر ، که در آن دقیقه در تالار بودند ، گوئی مثل فرد واحد نفس میکشیدند و با سر نوشت واحد شروع بزندگی کرده بودند . گوئی آنها با آهنگ موسیقی و با ارکستری توأم شده و تابع اراده آهنگسازی گشته بودند که چوب رهبری را در دست داشت ...

اویک اثر دیگر هم دارد که شهرت و محبوبیت آن بی حد و حصر است . شما میتوانید آنرا از رادیو ، در کنسرت سنفونیک ، در پارک تابستانی ، در مجلس شب نشینی خصوصی بشنوید . آنرا میخوانند ، سوت میزنند و با آن میرقصند . اثر مذکور « رقص باشمشیر » از بالت « گایانه » اثر خاچاتوریان است . بالت مذکور در سالهای جنگ دوم جهانی ساخته شده و آهنگساز که در آن زمان به تصنیف آوازه های جنگی و سنفونی اشتغال داشته ، بموازات آن مشغول تصنیف آهنگی بوده است که از حیث حد اعلای خوش بینی ، حیات و نشاط بخشی درخشان ایمان به پیروزی نزدیک بردشمن را در دل مردم زنده و تلقین میکرده است .

سالها گذشت . امروز آرام خاچاتوریان یکی از برجسته ترین آهنگسازان شوروی است . آثار او شایسته دریافت جوایز دولتی تشخیص داده شده و یکی از آخرین آثارش - بالت « اسپارتاک » بدریافت جایزه لنینی نابل گردیده است . خود آهنگساز نیز بدریافت نشانها و عنوان هنر پیشه ملی اتحاد شوروی سرفراز شده است .

خاچاتوریان کارهای اتحادیه آهنگسازان شوروی را رهبری میکنند، کلاس تألیف و تصنیف را در کنسرواتوار اداره مینماید. نامبرده عضو شورای جهانی صلح است.

این تلفیق - هنرمند - رجل فعال مملکت، یکی از خصوصیات اساسی زندگی در اتحاد شوروی است. آهنگساز مزبور هم بوسیلهٔ خلاقیت خود و هم بوسیلهٔ کارهایی که میکند باجدیت و فعالیت وارد زندگی ملت می شود. فعالیت خاچاتوریان محدود بخود مملکت هم نیست، او خارج از میهن خویش نیز همینطور شادی و شمع زندگی و خلاقیت طبع را برای تمام مستمعین آثار خویش بارمغان میبرد. بهمین سبب است که او وقت خود را زیاد صرف سفرهای کنسرتی میکند: اتریش، بلغارستان، سوئد، آمریکای جنوبی، ایتالیا، انگلستان - فهرست مختصری است از کشورهایی که خاچاتوریان با آنجا سفر کرده است. در همه جا هم ورود او موجد مسرت و وجد فوق العاده مستمعین شده است.

سرموقفیت خاچاتوریان چیست؟ البته فقط این نیست که او خوش قریحه و با استعداد است. فقط اینهم نیست که مهر استادی عالی بر آثار او خورده است.

قبل از هر چیز موسیقی خاچاتوریان - «زادهٔ ملت است». بطرزی ژرف ملی است و بهمین سبب هم اساس هنر او محبوب و قابل فهم مردم است. موسیقی او از خوانندگی آوازخوانان ملی - «عاشقها» سرچشمه میگردد. «عاشق» - یعنی «مجنون عشق» و «دوستار بی اختیار».

آهنگساز مزبور هم در مد نظر ماهمینطور «مجنون عشق» و «دوستدار بی اختیار» جلوه میکند و این عشق در هر اثر جدید وی بطرزی بازتر نمایان میشود. عشق بزندگی، ارادهٔ فعال، حرارت طبیعی تسخیرکننده، احساسات پرشور و میل به تضادهای حاد - تمام این صفات خاص موسیقی خاچاتوریان تا حد معینی جزو سجایا و صفات خود او هم هستند. او شاداب و بانشاط است، مفتون میشود، نمیتواند بی اعتنا و بی قید باشد. وی بعنوان ایجادکننده وارد زندگی میشود، بدین قصد که گذشته از زینت بخشیدن بآن، زندگی را تغییر بدهد و رام خود کند. مردم هم باشعف بارادهٔ خلاقهٔ او اعتماد نموده، موسیقی او را بمنزلهٔ دعوت بحرکت، برای فعالیت و کار و برای شادی و نشاط تلقی میکنند.

سرموقفیت خاچاتوریان در همین است.